



دست به کار شوید - علیه یهودستیزی! #1

مشابه اما متفاوت: در مورد رابطه یهودستیزی و نژادپرستی

مسیحی، به مشروعیت بخشیدن به استعمار آن‌ها کمک می‌کرد. قدرت‌های استعمارگر از این انتساب‌های نژادپرستانه به خودی خود یک مأموریت تربیتی ایجاد کردند:

بر اساس باورهای ارزشی مسیحی-اروپایی، ملت‌های تحت سلطه باید از طریق کار به «افراد کامل» تبدیل می‌شدند. بر این اساس نژادپرستی یک توجیه اخلاقی برای قدرت‌های اروپایی برای وادار کردن ملت‌های تحت سلطه به کار کردن و استثمار بی ملاحظه نیروی کار آن‌ها ایجاد کرد. در قرن 18 در جریان روشنگری و انقلاب فرانسه در اروپا آرمان‌های حقوق مدنی برابر و کرامت انسانی جهانی رواج یافتند - ارزش‌هایی که با بهره‌کشی استعماری مستمر در تضاد بودند. این تضاد با جهان بینی نژادپرستانه ملت‌های بیشتر و کمتر متمدن رفع شد و از نظر اخلاقی به آن مشروعیت داده شد و همچنین از طریق یافته‌های (شبه) علمی تقویت شد.

پس از تجربه ناسیونال سوسیالیسم به شدت نژادپرستانه و انکار علمی نظریه «نژادهای» انسانی، نژادپرستی از سال 1945 در افکار عمومی به صورت روزافزون محکوم شد. با وجود این الگوهای فکری نژادپرستانه در جامعه از بین نرفتند و همچنان در اشکال ظاهری سابق و جدید نمود می‌یافتند. مورد نوظهور جایگزینی واژه «نژاد» با واژه «فرهنگ» است. البته جدا از واژه استفاده شده هیچ چیز در ارتباط با استدلال نژادپرستی تغییر نکرد: همچنان به گروه‌هایی از افراد ویژگی‌های ظاهری غیر قابل تغییری نسبت داده می‌شوند که از طریق ریشه و خاستگاه (ظاهری) آن‌ها تعریف

در بهار سال 2025 در چارچوب پروژه "Connect" - تنوع از طریق مشارکت" در - DGB Bildungswerk Thüringen e.V (انجمن ثبت شده سازمان آموزش DGB تورینگن) یک سری رویدادهای آنلاین برگزار شد. سخنرانی‌های این سری رویدادها به صورت مکتوب درآمدند و به چندین زبان منتشر شدند.

این متن سخنرانی **بیژن رضوی (Bildungsstätte Anne Frank)** (مؤسسه آموزشی آنه فرانک)) را خلاصه و جمع بندی می‌کند.

نژادپرستی و همچنین یهودستیزی اشکال انسان‌ستیزی گروهی هستند. آنها مبتنی بر پیشداوری‌های شایع در جامعه هستند، گروه‌های مشخصی را به باورها و تصورات از دشمن تبدیل می‌کنند و از قرن‌ها پیش تا کنون موجب طرد اجتماعی، نفرت و خشونت مرگبار می‌شوند. اما تفاوت‌های بین این دو ایدئولوژی چیست؟ یا این که ما با پدیده یکسانی سر و کار داریم که در آن صرفاً گروه‌های قربانیان با یکدیگر تفاوت دارند؟ متن زیر پاسخ‌هایی ارائه می‌کند.

نمای کلی مختصر: نژادپرستی

نژادپرستی امروزی در دوران استعمارگری اروپا - و در واقع نه به صورت تصادفی - به وجود آمد. نژادپرستی با ارائه تصویری از ملت‌های استعمار شده به عنوان مردم کمتر متمدن، بی دین و «ناقص» در مقایسه با اروپائیان

می‌شوند. در جایی که قبلاً شیوه‌های فکری و رفتاری افراد با «نژاد» آن‌ها توجیه می‌شد، امروزه «فرهنگ» آن‌ها به عنوان توضیح مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک مثال مناسب بحث اغلب صورت گرفته بر اساس نژادپرستی در مورد این مساله است که آیا «فرهنگ اسلامی» و «فرهنگ آلمانی» با هم همخوانی دارند یا خیر: در توصیف نژادپرستانه این مساله به مسلمانان و آلمانی‌های غیرمسلمان نسبت داده می‌شود که آن‌ها در همه ویژگی‌های غیر قابل تغییر یکسان در بین خود اشتراک دارند و در نتیجه نمی‌توانند همزیستی خوبی داشته باشند.

جمع بندی: نژادپرستی

نژادپرستی به عنوان مکتبی قابل درک است که تمایز سلسله مراتبی بین افراد قائل می‌شود و ویژگی‌های زیست شناختی را به عنوان پیش شرط اساسی فرض می‌کند. دلیل اصلی ایجاد چنین سلسله مراتبی در این مساله نهفته است که توزیع نابرابر منابع مختلف را توجیه کنند، آن را کنترل کنند و در همه سطوح زندگی اجتماعی اجرا کنند.

با استناد به:

Maisha-Maureen Auma: Rassismus. Eine Definition für die Alltagspraxis (2018)

"نژادپرستی. تعریفی برای شیوه عمل زندگی روزمره"

صلیب کشیدن عیسی مسیح بودند و از آن زمان مخفیانه علیه مسیحیان اعمال خشونت می‌کنند تا «خداکشی» را به صورت نمادین تکرار کنند. بر این اساس از قرن‌ها پیش تا کنون تصورات یهودستیزانه، مانند به طور مثال افسانه قتل‌های آیینی کودکان یا روایت‌های مسموم کردن چاه‌های آب توسط یهودیان وجود دارد. تصور یک دشمن داخلی که ظاهراً همیشه از جامعه مسیحیان متنفر بوده است، نیز به طور مکرر برای توضیح پدیده‌های غیر قابل درک مانند طاعون و سپر بلا کردن یهودیان برای این قضیه مورد استفاده قرار گرفته است.

در دوران مدرن این ایده که یهودیان منشاء شر هستند و بر این اساس «الگوی مقابل همه خوبی‌ها» را شکل می‌دهند، ادامه دارد. پروپاگاندای نازی‌ها «ذات آلمانی» را کوشا، یکجانشین و وطن دوست و در مقابل آن‌ها «یهودی» را همیشه ناآرام توصیف می‌کرد: او ظاهراً قادر به انجام کار شرافتمندانه نیست و از یک «ملت میزبان» به نزد ملت بعدی مهاجرت می‌کند تا مثل یک انگل از آن سوء استفاده کند. علاوه بر این مضمون توطئه و سلطه جهانی محور اصلی یهودستیزی است.

یهودیان متهم می‌شوند که به صورت مخفیانه مسئول ساختارهای جهانی قدرت مانند به طور مثال سرمایه داری یا امپریالیسم هستند. ظاهراً آن‌ها در پشت صحنه همه تصمیمات مهم را اتخاذ می‌کنند و بر سیاستمداران، رسانه‌ها و اقتصاد تاثیرگذار هستند. بر اساس خیال پردازی یهودستیزی، آن‌ها از این ابزارهای سلطه به عنوان وسیله‌ای برای از بین بردن نظم‌های ظاهراً طبیعی بهره می‌گیرند.

این اشکال یهودستیزی ممکن است به اسرائیل تعمیم یابند. هنگامی که به طور مثال سیاستمداران اسرائیلی به عنوان هیولاهای در حال نوشیدن خون کودکان به تصویر کشیده می‌شوند یا با نابودی کشور اسرائیل پایان سرمایه داری جهانی نوید داده می‌شود، این ادامه روایت‌های یهودستیزانه قدیمی است. این تصور در بین آن‌ها مشترک است که در صورتی که «یهودیان» دیگر وجود نداشتند، جهان از همه پلیدی‌ها خلاص می‌شد. تصور قدرت یهودیان به عنوان منشاء شر در همه انواع یهودستیزی وجود دارد.

نمای کلی مختصر: یهودستیزی

یهودستیزی در شکل ظاهری مدرن آن به خصوص مبتنی بر دشمنی مسیحیان با

یهودیان در قرون

وسطی است. یهودیان

به عنوان دشمنان

نامرئی با قصد نابودی

در درون جامعه خود

تصور می‌شوند. این

تصویر برگرفته از روایت

مسیحیان است که

«یهودیان» مسئول به

اگر در این متن «یهودی» داخل گیومه قرار دارد، منظور از آن یهودیان واقعی نیستند، بلکه منظور تصور یهودستیزانه از آن‌ها است.

جمع بندی: یهودستیزی

یهودستیزی یک مدل برای توضیح جهان است. در این ارتباط تفکر یهودستیزانه امکان فرافکنی را فراهم می‌کند: همه امور نامطلوب در جامعه و جهان برون سپاری شده و به یک مقصر - «یهودیان» - نسبت داده می‌شود. رهایی از شر در نهایت فقط از طریق غلبه بر آن قابل دستیابی است. به همین دلیل یهودستیزی همیشه شامل منطقی برای نابودی نیز هست. این منطقی در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها که ایدئولوژی آن‌ها نابودی یهودیان را معادل «نجات جهان» می‌دانست، به اوج خود می‌رسد. پس از هولوکاست - مشابه با مورد نژادپرستی - به طور فزاینده‌ای محکومیت عمومی یهودستیزی آشکار صورت گرفت. بر این اساس روایت‌های یهودستیزانه قدیمی از آن زمان بیشتر به صورت کدهای مخفی و برقراری ارتباط غیر مستقیم بیان می‌شوند که در آن‌ها کلمه «یهودی» - به طور مثال با "Rothschilds" (خاندان روتشیلد)، «برگزیدگان ساحل شرقی» یا حتی با «اسرائیل» به عنوان «کلیت یهودی» جایگزین می‌شود.

مقایسه

بنابراین شباهت‌ها و تفاوت‌های بین یهودستیزی و نژادپرستی در کجا است - و چرا شناخت آن‌ها مهم است؟ در اینجا سعی بر آن نیست که پاسخ‌های کاملی به این سؤالات داده شود. البته نگاهی به سه سطح زیر خردمندانه است:

استاندارد سازی:

در تفکر نژادپرستانه همانند تفکر یهودستیزانه یک گروه بیگانه و گروه خودی ایجاد می‌شود. در این ارتباط گروه اخیر الذکر به عنوان «نرمال» محسوب می‌شود، در حالی که «بیگانگان» یک انحراف ظاهری را شکل می‌دهند - صرف نظر از این که آیا یهودیان یا البته گروه‌های با انتساب‌های نژادپرستانه مانند «اتباع خارجی» مد نظر باشند یا خیر. البته یک تفاوت در نگاه به گروه‌های بیگانه در این است که یهودیان در تصور یهودستیزانه به صورت بنیادی متفاوت از همه افراد دیگر هستند. به این ترتیب آن‌ها به «دیگران متفاوتی» تبدیل می‌شوند.

رتبه بندی به صورت سلسله مراتب:

نژادپرستی گروه خودی را به عنوان برتر و گروه بیگانه را بر این اساس به عنوان پست‌تر تصور می‌کند. انتساب‌های نژادپرستانه ویژگی‌های مثبت تلقی شده نیستند: آن‌ها افراد دسته بندی شده بر اساس نژاد را به عنوان غیرتمدن، خشن، نزدیک به طبیعت و واپسگرا توصیف می‌کنند و به این ترتیب گروه خودی را به عنوان معقول، عقلانی، کوشا، متمدن و غیره متمایز می‌سازند. (حتی انتساب‌های ظاهرا «مثبت» مانند «ریتم در خون» از ویژگی‌های مرتبط با «نژاد» نشأت می‌گیرند. آن‌ها کلیشه سازی می‌کنند و مهارت‌های آموخته شده را انکار می‌کنند.) در یهودستیزی این رابطه پیچیده‌تر است، زیرا چیز قدرتمندی به یهودیان نسبت داده می‌شود. «یهودیان» به یک گروه بیگانه همزمان برتر و پست‌تر تبدیل می‌شوند: آن‌ها ظاهرا به دلیل سلطه جهانی توطئه آمیز یهودیان که «خوب‌ها» (گروه خودی به عنوان نرمال تلقی شده) را سرکوب می‌کند، برتر هستند. این تصور با رابطه تسلط نژادپرستانه در تضاد است. یهودستیزی همزمان یک رذالت اخلاقی را به یهودیان نسبت می‌دهد، زیرا آن‌ها را به خصوص به عنوان شرور، تنبل، استثمارگر، بی وجدان و بی صداقت توصیف می‌کند.

کارکرد:

هر دو ایدئولوژی می‌توانند کارکردهای مشخصی را محقق نمایند، به طور مثال هنگامی که به عنوان توجیه خشونت مورد استفاده قرار می‌گیرند. با وجود این یک تفاوت اصلی کارکردی وجود دارد: نژادپرستی قرار است به سلطه مشروعیت ببخشد، یعنی برای توزیع نابرابر دسترسی‌ها و منابع در جهان و جامعه پشتوانه اخلاقی ایجاد کند. یهودستیزی با شخصی سازی ساختارهای انترجایی و در نتیجه «تبیین» آن‌ها به عنوان تفسیری از جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. با وجود این تفاوت این مهم است که هیچ سلسله مراتبی از یهودستیزی و نژادپرستی وجود ندارد! در هر دو مورد آن‌ها ساختارهای بالقوه مرگباری هستند که باید با یکدیگر درک و با آن‌ها مقابله شود و اغلب از نظر ایدئولوژیک در هم تنیده‌اند.

این مساله از آنجا قابل تشخیص است که آن‌ها چگونه با سوژه‌هایشان - یعنی افراد تبدیل شده به گروه بیگانه - برخورد می‌کنند. به طور مثال روایت توطئه «تبادل بزرگ» راستگرایان افراطی ادعا می‌کند که افراد برگزیده مخفی با هدایت مهاجرت مهاجران توصیف شده با ویژگی‌های نژادپرستانه از کشورهای جنوب جهان قصد تبادل جمعیت در کشورهای غربی را دارند. تهدید توسط یک

متن‌های چندزبانه بیشتر مربوط به موضوع یهودستیزی

همه موضوعات دیگر سری رویدادها و آثار منتشر شده را در وب سایت ما:

www.dgb-bwt.de/wissen-fuer-alle

همه متن‌ها به زبان‌های زیر در دسترس هستند: عربی، دری، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، لهستانی، روسی، اسپانیایی، ویتنامی.

گروه مخفی و قدرتمند یک کد یهودستیزانه است. این تهدید با یک انتساب نژادپرستانه، از طریق توصیف پناهندگان به عنوان توده یکپارچه بدون انگیزه شخصی تلفیق می‌شود. به این ترتیب یک تصویر دشمن پنهان درونی و همچنین بیرونی ایجاد می‌شود که از نظر ایدئولوژیک با یکدیگر تلفیق شده و در یک روایت مشترک با هم یکی شده‌اند. این امر مختص تصورات راستگرایان افراطی از جهان است که متأثر از نژادپرستی و همچنین یهودستیزی هستند.

اثرات

تفاوت‌های ذکر شده بین ایدئولوژی‌ها همچنین به معنای پیامدهای مختلف برای برخورد با سوژه‌هایشان است. در تفکر راستگرایان افراطی ممکن است سوژه‌های توصیف شده به صورت نژادپرستانه کنترل و بازآموزی شوند و نیروی کار آن‌ها مورد سوء استفاده قرار گیرند. خشونت و نابودی ابزارهایی برای دستیابی به این اهداف هستند. البته این کار در ارتباط با یهودیان عملی نیست، زیرا یهودستیزان آن‌ها را به عنوان ناتوان از کار کردن و همزمان بسیار قدرتمند توصیف می‌کنند. به همین دلیل خشونت و نابودی یهودستیزانه در راستگرایی افراطی هدف وجودی آن، یعنی «خلاص کردن» زمین از دست همه یهودیان، را برآورده می‌کند.

In Trägerschaft des:



Im Rahmen des Bundesprogramms:



Gefördert durch das:



Administriert durch das:

